

سلامت روان کودکان کار اینستاگرامی قربانی خودخواهی، پ...

بلاگرهای کوچک

کودکان کار مجازی، اینفلوئنسرهای کوچک یا کودکان کار لاکچری؛ اینها نام‌هایی است که روی کودکانی که در شبکه‌های اجتماعی بازیگر سناریونویسی والدین شان می‌شوند، گذاشته می‌شود.



شاید من و شما هم خیلی وقت‌ها در شبکه‌های اجتماعی دنبال کننده صفحاتی باشیم که نمایشی از رفتارها، شیرین‌زبانی‌ها، ژست‌ها و کارهای کودکان را به نمایش می‌گذارد. شاید هم خود ما به دنبال آن باشیم تا تصاویر این چینی از فرزندان مان را در شبکه‌های اجتماعی و صفحات خودمان به اشتراک بگذاریم. نکته قابل تامل در این بین آن است

اختلال در مسیر رشد طبیعی

استفاده ابزاری از کودکان در فضای مجازی با عنوان بلاگری به شخصیت کودکان آسیب می‌زند و مسیر رشد طبیعی کودکان را مختل می‌کند. والدین با استفاده ابزاری از کودکان در فضای مجازی به او یاد می‌دهند که برای دیده شدن و مفید بودن در جامعه، فقط باید به تشویق بیرونی که همان فالوئر و لایک کردن است، دست یافت.

بلوغ زودرس

آرایش کردن و وادار کردن کودک به گفتن حرف‌ها و انجام رفتارهایی که با سن و سالش هیچ تناسبی ندارد علاوه بر اختلال در مسیر رشد کودک می‌تواند او را دچار بلوغ زودرس کند که این مسأله خود به آسیب‌های متعددی در دوران‌های بعدی زندگی کودکان منتهی خواهد شد.

دور شدن از دنیای کودکی

شاید یکی از مهم‌ترین آسیب‌هایی که متوجه کودکان بلاگر و اینفلوئنسر است کودکی نکردن آنهاست. بدیهی است فرآیند رشد اجتماعی شدن انسان از مسیر همین کودکی کردن‌ها می‌گذرد اما این بچه‌ها به اجبار والدین شان ناگزیرند هر روز دقایقی طولانی در مقابل دوربین قرار بگیرند و زندگی خصوصی‌شان را به معرض دید همگان بگذارند.

شکل‌گیری شخصیت‌های مصرف‌گرا و ظاهرین

کودکان کار مجازی از وقتی خودشان را شناخته‌اند لباس‌های خوب پوشیده‌اند، ژست‌های زیبا را تمرین کرده‌اند، گاهی وقت‌ها آرایش کرده‌اند و گاهی از سوی والدین به تقلید رفتار بزرگ‌ترها وادار

شده‌اند. به رستوران‌ها و مکان‌های لاکچری رفت‌وآمد داشته‌اند و تصاویر غذاها و مسافرت‌های لاکچری شان را با دیگران به اشتراک گذاشته‌اند، همه اینها موجب می‌شود تا به شکلی افراطی افرادی مصرف‌گرا و ظاهرین بار ببینند.

این بچه‌ها کودکی نمی‌کنند!

با به دنیا آمدن فرزندش صفحه‌ای هم به نام او باز کرد. صفحه‌ای برای به اشتراک گذاری لحظه‌های زیستن و قدکشیدن و بزرگ شدن فرزندش با دیگران؛ لحظه‌هایی که شاید بعضی‌های شان خیلی خصوصی و محرمانه بود و اصلاً ضرورت نداشت در ویترین قرار بگیرد. اما ولع دیده شدن و لایک گرفتن باعث شد تا این روند را ادامه دهد. به خصوص وقتی با شیطنتها و جذابیت‌های کودکانه فرزندش باعث شده بود دنبال کنندگانش بیشتر شوند و رفته رفته پیشنهادهایی برای تبلیغات هم داشت. این بدین معنا بود که می‌تواند از فرزندش پول دریاورد. کافی است او را بزرگ کرده و جلوی دوربین قرار دهد و برای این نقش آفرینی سناریوهای جذاب و بانمک طراحی کند. سناریوهایی که برای خوب اجرا شدنش بارها سر فرزندش داد می‌کشید و گاهی کار به تنبیه و توهین و تحقیر هم می‌کشید. در نهایت وقتی به آنچه می‌خواست می‌رسید لبخندی رضایتمندانه بر چهره‌اش می‌نشست. بعد هم لحظه به لحظه لایک‌ها و کامنت‌ها را چک می‌کرد تا بر اساس بازخوردهایی که دارد بتواند سناریوهای بعدی را طراحی کرده و فرزندش را با داستان تازه‌ای جلوی دوربین ببرد و ریلز و استوری‌های جدیدی را کارگردانی کند تا تبلیغات بیشتری گرفته و پول بیشتری به جیب بزند. درست در همین لحظه‌ها فرزندش با انواع و اقسام فشارها و آسیب‌های روانی دست و پنجه نرم می‌کرد و آینده‌اش را به خودخواهی و پول دوستی والدینش می‌باخت! این برش کوتاهی از زندگی کودکانی است که از سوی والدین شان برای بلاگری در فضای مجازی به کار گرفته می‌شوند. کودکانی مانند آرات، پسر بچه‌ای که به خاطر عضلات سیکس پک شکم و حرکات آکروبا تیکش می‌شناختیم اما سال گذشته طبق اعلام باشگاه سپاهان اصفهان در ۱۰ سالگی به دلیل تمرینات سنگین، صفحات رشدش بسته شد! آرات اما فقط یکی از کودکان کار اینستاگرامی است که سرنوشت دردناکش رسانه‌ای شد و احساس انزجار عمومی را از رفتار خانواده‌اش برانگیخت.

کودکان مشابه آرات را در فضای مجازی زیاد داریم. کودکانی که از لحظه تولد هیچ‌گاه حریم خصوصی را تجربه نکرده‌اند و همه کارها و رفتارهای شان زیر نظر پدر و مادر است تا از آن فیلم بگیرند و در فضای مجازی به اشتراک بگذارند، تا لایک بگیرند و در نهایت صفحاتشان تبدیل شود به فضایی برای تبلیغات و کسب و کار. کودکانی که گرچه ظاهر مرتب و اتوکشیده‌ای دارند اما از سوی پدر و مادرشان محکوم‌اند به این‌که از همان لحظات نخست زندگی کار کنند و درآمدزایی داشته باشند! کودکانی که کودکی نمی‌کنند و این بزرگ‌ترین ظلمی است که از سوی پدر و مادر به این بچه‌ها تحمیل می‌شود.

